دریچه

اطلاعیه وزارت رفاه درباره «کاراکارت»

• **مهر:** کارت اعتباری رفاه اجتماعی ایرانیان (کاراکارت) برای تمامی بازنشستگان استان تهران و استان البرز صادر شده و در شعبه بانک رفاه کارگران مربوطه آماده تحویل به بازنشستگان است. براین‌اساس بازنشستگان گرامی با دردست‌داشتن مدارک شناسایی خود می‌توانند حداکثر تا ۳۱ خرداد ۱۳۹۵ به شعبه بانک رفاه کارگران که حقوق خود را از آن دریافت می‌کنند، مراجعه کنند. گفتنی است، متقاضیان مشمول سایر استان‌ها می‌توانند از طریق سامانه خدمات رفاهی به نشانی www.smanehrefah.ir و همچنین سامانه پیامکی ۱۰۰۰۱۴۲۲ اقدام به ثبت‌نام کنند. کارت اعتباری صادرشده ویژه خرید کلیه کالاها و خدمات از تمامی فروشگاه‌های زنجیره‌ای و تعاونی‌های مصرف طرف قرارداد بوده و صرفا پس از هر بار خرید به صورت اقساط ۱۲ماهه با سود ۱۲ درصد بانکی، از حقوق بازنشستگان از سوی بانک رفاه کارگران کسر می‌شود.

اورژانس وارد روستاها شد

• **تسنیم:** معاون وزیر بهداشت با اشاره به تشکیل پرونده الکترونیک سلامت برای هر ایرانی از راه‌اندازی کمپین‌های آموزشی در ۵۸ هزار مدرسه خبر داد و گفت: راهیابی اورژانس به روستا و ارائه خدمات بهداشت دهان برای نخستین‌بار نیز از دیگر دستاوردهای طرح تحول سلامت بوده است. علی‌اکبر سیاری با بیان اینکه در طرح تحول سلامت برای نخستین‌بار خدمات بهداشت دهان و دندان در سطح وسیع انجام شد و اورژانس ۱۱۵ از شهر و جاده به روستا راه یافت و برای هفت میلیون دانش‌آموز ابتدایی در طرح تحول بهداشت دهان و دندان علاوه بر تشکیل پرونده، وارنیش فلورایدتراپی انجام شد. سیاری ادامه داد: در این طرح ۵۰۰ پایگاه سیار خدمات بهداشت دهان و دندان راه‌اندازی شد. برای ۵۰۰ هزار دانش‌آموز نیز خدمات ترمیمی دندان انجام شد. این خدمات در روستاها رایگان و در شهرها نیز هزینه‌ها با اشتراک بیمه و وزارت بهداشت پرداخت می‌شود.

آغاز آموزش‌های خودمراقبتی به دانش‌آموزان

• **ایسنا:** معاون تربیت‌بدنی و سلامت وزارت آموزش‌وپرورش با بیان اینکه آموزش‌های خودمراقبتی دانش‌آموزان را در بعد افزایش دانش در حد وسیعی آغاز کرده‌ایم، گفت: اطمینان داریم که به سمت تغییر نگرش پیش می‌رویم و امید است استمرار فعالیت‌های انجام‌شده به افزایش خودمراقبتی در دانش‌آموزان بینجامد. مهرزاد حمیدی درباره اقدامات انجام‌شده در این وزارتخانه در راستای کاهش آسیب‌های اجتماعی در کشور و عمل به مطالبات مقام معظم رهبری در این حوزه اظهار کرد: دو کار بزرگ در راستای تحقق مطالبات رهبری انجام دادیم: نخست آنکه نهضت فرهنگی پیشگیری را در سطح مدارس گستراندیم. وی افزود: بروشورها و محتوای آموزشی به صورت ویژه برای معلمان آماده شد. همچنین برای پنج‌میلیون نفر از والدین که فرزندانشان در سنین خطرپذیری هستند بسته‌های آموزشی تهیه و توزیع شد. حمیدی ادامه داد: دومین اقدام مهمی که انجام شد تعامل و تفاهم با دستگاه‌های ذی‌ربط بود. در این راستا طرح نماد (نظام مراقبت اجتماعی دانش‌آموزان) تدوین و تصویب شد و ۹ سازمان بزرگ مرتبط با آسیب‌های اجتماعی شامل وزارت آموزش‌وپرورش، وزارت بهداشت، وزارت رفاه، وزارت کشور، سازمان مدیریت، سازمان بهزیستی، بنیاد برکت، فرماندهی نیروی انتظامی و معاونت پیشگیری قوه قضائیه گرد هم آمدند و امسال این طرح اجرا می‌شود.

پیشنهاد چاپ نقش گل محمدی روی یکی از اسکناس‌های کشور

• **شرق:** جمعی از نویسندگان مجله «گلخانه‌داران» با نگارش دو نامه جداگانه خطاب به شکری، رئیس سازمان تولید اسکناس و مسکوکات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و روحانی، رئیس‌جمهوری ایران، خواستار چاپ نقش گل محمدی بر یکی از اسکناس‌های ایرانی شدند تا علاوه بر پاسبانی از این میراث طبیعی و فرهنگی، سبب‌ساز زیبایی‌بخشی به اسکناس ملی نیز بشود. نویسندگان این نامه‌ها برخی ویژگی‌هایی که منجر به این درخواست شده است را به این شرح توضیح داده‌اند:

خاستگاه تاریخی گل محمدی ایران است، گل محمدی از ایران به ترکیه، سوریه و اروپا رفته است، گل محمدی در دنیا به نام سلطان گل‌ها شناخته می‌شود، در دنیا اسانس تام حاصل از گل محمدی به‌عنوان طلای مایع شناخته می‌شود، گل محمدی را اقتصادی‌ترین گل جهان می‌دانند و زیرساخت بنیادین صنایع آرایشی، بهداشتی، عطر و ادکلن و صنایع دارویی و غذایی است. از همه مهم‌تر اینکه ایران رتبه اول سطح زیر کشت جهان در زمینه کاشت گل محمدی را دارد و از مجموع کل ۲۰ هزار هکتار مزارع گل محمدی جهان، ۱۲ هزار هکتار آن در ایران است. نویسندگان در بخشی از نامه خود به رئیس‌جمهوری کشور نوشته‌اند از آنجا که گل محمدی نه‌تنها میراث طبیعی که میراث فرهنگی و تاریخی سرزمین ماست، با پیشنهاد چاپ نقش آن روی یکی از اسکناس‌های کشور موافقت شود.

به نام زنان به کام «خاوری»

با نگاهی به طرح تفکیک جنسیتی در بیمارستان‌ها و دیگر اماکن عمومی

عکس: مهر

ادامه از صفحه اول

اما از سرگذشت این ابتکار محمود خاوری چه خبر؟ خبرها حاکی از آن است که بانک زنانه‌ای که خاوری، اختلاس‌گر بزرگ، دست به تأسیس آن زده بود و رئیس وقت اداره امور شعب استان خراسان‌رضوی در مراسم افتتاحیه‌اش، آن را «شاخص‌ترین طرح ابداعی تاریخ بانکداری کشور» خواند، آرام و بی‌سروصدا تعطیل شده و کرکره‌هایشان را پایین کشیده‌اند. زنانی هم که در آن مشغول به کار بوده‌اند یا بازخرید شده یا به شعب عادی بانک منتقل شدند. تلاش‌ها برای رسیدن به پاسخی مشخص درباره راه‌اندازی و تعطیلی این بانک‌ها و هزینه‌ای که صرف آن شد به جایی نرسید؛ در پیگیری‌های مداوم «شرق»، تنها در گفت‌وگو با یکی از کارمندان بانک ملی که نخواست نامش فاش شود، اطلاعاتی به دست آمد که هرچند تکراری است اما دسته‌بندی آن نشان می‌دهد که تأسیس این بانک بیشتر از آنکه ربطی به حجاب و رعایت حرمت بانوان داشته باشد، به نظر پوششی برای اختلاس‌های بزرگ دوران احمدی‌نژاد بود. این کارمند بانک دراین‌باره به «شرق» می‌گوید: «اقتصاد جنسیتی نیست و بعد از مدتی که از تأسیس تنها سه شعبه از بانک‌ها گذشت، دیدیم استقبال‌ها به‌شدت نازل است. این بانک‌ها در مشهد، رشت و اصفهان افتتاح شد و تمام کارمندانش نیز زن بودند. ولی مدتی که گذشت عملا خاصیت خود را از دست داد، دیگر کار از دست مسئولان هم بیرون افتاد و مردان هم به شعبه می‌آمدند و عملیات بانکی‌شان را انجام می‌دادند و اصلا تعریفی که بانک برای آن تأسیس شده بود زیر سؤال رفت. برای همین هم تصمیم گرفتند بانک‌ها را بی‌سروصدا تعطیل کنند». قصه تفکیک جنسیتی، به بهانه تکریم زنان و حفاظت از حریم آنها قصه تازه‌ای نیست. یکی از معدود طرح‌های موفقی که تاکنون دراین‌زمینه اجرا شده است، جداسازی قسمت زنانه و مردانه در وسایل حمل‌ونقل عمومی مانند اتوبوس‌ها و متروها بود؛ اما آیا اجرای این طرح در بقیه حوزه‌ها منجر به موفقیت می‌شود؟ شواهد نشان می‌دهد پاسخ این سوال مثبت نیست.

تلاش‌ها برای اعمال تفکیک جنسیتی کامل در دانشگاه‌های کشور، اقدامات برای جداسازی محل کار کارمندان زن و مرد در شهرداری تهران، ایجاد پارک زنانه، ایده افتتاح کافه و رستوران زنانه، راه‌اندازی بیمارستان‌های کاملا زنانه و... بخشی از اقدامات اجرائی است که تاکنون دراین‌زمینه مطرح شده است. بااین‌حال باید دید کدام‌یک از این طرح‌ها و ایده‌ها، که از زمان مطرح‌شدن تا اجرا و آغازبه‌کار هزینه‌های بسیاری برای آنها صرف شده است، به سرنوشت ایده محمود خاوری دچار شده‌اند و کدام در نهایت موفق خواهند بود. تأسیس بیمارستان جامع زنان چندی است که از سوی وزیر بهداشت‌ودرمان مطرح شده است. طرحی که هنوز با سکوت رسانه‌ای مواجه شده. دکتر هاشمی در آخرین اظهارات خودگفته این طرح ادامه‌دهنده موارد مشابه قبلی - که با شکست مواجه شده‌اند- نیست و البته تأکید دارد که این طرح قائل بر تفکیک جنسیتی در امر پزشکی نیست و حتی خطاب به برخی از منتقدانش می‌گوید: «برخلاف کسانی که شاید فکر کنند ساخت بیمارستان جامع زنان که تمام عوامل آن از صدر تا ذیل زنان باشند، سنت‌گرایی است؛ این کار عین مدرنیته است چراکه به‌لحاظ رعایت حقوق انسانی، حقوق بانوان را در نظر گرفته است». برای اولین‌بار در مجلس پنجم طرحی با عنوان انطباق جنسیتی مطرح شد که در آن پیشنهادی مبنی بر تفکیک جنسیتی در بیمارستان‌ها بود که در همان زمان نمایندگان مجلسی که ریاست آن را علی‌اکبر ناطق‌نوری برعهده داشت و اکثریت آن را اصولگرایان تشکیل می‌دادند به مخالفت با آن پرداختند و بنابراین با کسب‌نکردن رأی لازم طرح مسکوت ماند تا اینکه در زمان محمود احمدی‌نژاد که موضوع تفکیک جنسیتی به‌شدت مورد توجه دولت و برخی نهادها بود دوباره مطرح شد. هرچند در همان زمان دستجردی، راهکار دیگری را برای این موضوع در نظر داشت که الهام‌گرفته از طرح شکست‌خورده بیمارستان شهید بهشتی قم بود. سال ۱۳۶۷ بیمارستان شهید بهشتی قم که وابسته به مرکز پزشکی بنیاد شهید بود به آیت‌الله شرعی واگذار می‌شود و تصمیم بر آن گرفته شد تا به دلیل شرایط خاص و مذهبی شهر قم این بیمارستان با رویکرد تفکیک جنسیتی تنها به ارائه خدمات به زنان بپردازد که در آن زمان به دلیل کمبود پزشک متخصص زن و مسائل متعدد دیگر بعد از مدتی، این بیمارستان با مشکلات بسیاری روبه‌رو شده و به تعطیلی کشانده می‌شود که دستجردی سال‌ها پس از دوران وزارتش در مصاحبه‌ای درباره آن با صراحت چنین می‌گوید: «ما نمی‌توانیم تفکیک جنسیتی را ایجاد کنیم و الزاما فقط به یک جنس اختصاص دهیم. این امر در بیمارستان شهید بهشتی قم برای اولین‌بار انجام شد و به صورت جدی شکست خورد». حتی نکته جالب توجه آن است که در حالی سال‌هاست مسئولان به‌دنبال اجرای طرحی هستند که به گفته بسیاری احترام به حقوق شهروندی زنان است که از همان زمانی که بیمارستان تخصصی زنان مهدیه تهران راه‌اندازی شد تاکنون، این مرکز درمانی با مدیریت یک پزشک مرد اداره می‌شود، پرسش این است که با این اهتمامی که در بهره‌گیری از توانمندی‌های زنان پزشک وجود دارد آیا هنوز یک زن نتوانسته است در این سال‌ها در کسوت ریاست این بیمارستان قرار گیرد!

اما دکتر ایرج حریرچی، قائم‌مقام وزیر و معاون کل وزارت بهداشت، در گفت‌وگو با «شرق» در پاسخ به این سؤال که چه تدبیری اندیشیده شده تا بیمارستان جامع زنان به سرنوشت بانک‌های زنانه دچار نشود، می‌گوید: «واقعیت این است که در حوزه سلامت اگر چیزی می‌خواهد نهادینه شود اول باید دید جزء نیاز مردم تلقی می‌شود یا نه. حتی وقتی قرار می‌شود رفتار خوب بهداشتی را در کشور رایج کنیم، آن هم به‌عنوان مطالبه مردم عنوان می‌شود. بنابراین باید بگویم تأسیس بیمارستان جامع زنان هم جزء مطالبات جامعه ما محسوب می‌شود و این پدیده چند دهه می‌شود که در کل دنیا شکل گرفته و در اروپا و آمریکا نیز بیمارستان‌های جامع زنان وجود دارد». حریرچی در ادامه افزود: «این مسئله را باید فارغ از معیارهای دینی و مذهبی نگاه کرد. همه ما می‌دانیم که معاینه مستلزم تماس فیزیکی است و در ساعاتی از حین بستری فرد ممکن است بی‌هوش باشد و نیاز به معاینه داشته باشد و البته می‌خواهد حریمش هم حفظ شود. اما در این طرح چیزی که مهم است نهادینه‌شدن مطالبه جامعه از این نوع بیمارستان‌هاست. از طرف دیگر در این سیستم خدماتی، باید خدمات درست مطابق با مسائل کارشناسی و مطابق با شأن جامعه زنان ارائه شود، به عبارت دیگر تأسیس این بیمارستان به معنی سلب حقی از زنان نیست، بلکه باید کار به استاندارد بالاتر آن‌طور که زنان مطالبه دارند به آنها ارائه شود». حریرچی در پاسخ به این سؤال که آیا نمی‌شود این خدمات در بخش زنان بیمارستان‌های عمومی ارائه شود، تصریح کرد: «با وجود اینکه در بیمارستان‌ها بخش زنان داریم، اما در اتاق عمل و رادیولوژی و آزمایشگاه، اکثرا پرسنل بیمارستان و اطبا مشترک هستند و این آن چیزی که در ذهن ما وجود دارد را فراهم نمی‌کند. البته برخی از کج‌سلیقگی‌ها باعث شده که ارائه‌کنندکان خدمات پزشکی با آن مخالفت کنند، ما باید زمینه‌های آموزشی را برای ارائه‌کنندگان خدمات هم بگذاریم تا این مشکل حل شود». معاون وزیر بهداشت در پایان تصریح کرد: « اما این ابتکار ما نیست و بیش از سه دهه است که wom-en hospital در جهان پا گرفته و مطابق درخواست مردم هم شکل گرفته است. تأکید می‌کنم که در دنیا هم بیمارستان‌های دولتی مطابق درخواست‌های بیمار خدمات خود را ارائه می‌دهند. مثلا بیمار محجبه درخواست می‌کند پرسنل در ارتباط با او همجنس وی باشند و حالا در اکثر بیمارستان‌های مدرن دنیا این خدمت را فراهم می‌کنند. این نکته را نیز بگویم که در کشور ما بیمارستان‌های زنان و زایمان داشتیم اما این بیمارستان‌ها چون تک‌تخصصی بودند و رشته‌های دیگری چون داخلی و جراحی نداشتند نتوانستند خدمات لازم را ارائه کنند و این بیمارستان‌های جامع علاوه بر تخصص زنان و زایمان، رشته‌های دیگری را برای زنان تأمین می‌کنند».

استاد مدیریت آب و محیط زیست امپریال‌کالج لندن در اهواز:

انتقال آب بین‌حوضه‌ای منجر به افزایش تقاضا می‌شود

شرق: درحالی‌که این روزها انتقال آب از سرچشمه‌های کارون به دغدغه مهم آگاهان عرصه آب و فعالان محیط زیست بدل شده است، دکتر کاوه مدنی، استاد مدیریت آب و محیط زیست امپریال‌کالج لندن به دعوت تشکل‌های محیط‌زیستی و سازمان آب و برق خوزستان به اهواز آمد تا در کنار نمایش فیلم مستند مادرکشی، که به تعبیری گزارشی دردناک از وضعیت حکمرانی آب در ایران است، از باورها و تفکرات غلط در حوزه مدیریت منابع آب و از نگرش غلط نسبت به توسعه و مدرنیته بگوید. از تفکر غالب مهندسی که راه چاره را تنها در استفاده افراطی از تکنولوژی می‌بیند. از غلبه تفکر سازه‌ای که نماد غرور است و سمبل توسعه را در طرح‌های بزرگ به‌چشم‌آمدنی می‌داند.

او در این مراسم سخنان خود را این‌طور آغاز کرد: «اگرچه نگرش افراطی به سدسازی‌ها امروزه از سوی وزارت نیرو به مدد هزینه‌هایی چون خشک‌شدن تالاب‌ها و پدیده ریزگرد موردبازنگری قرار گرفته اما درس چندانی از این موارد و تجربه‌های جهانی گرفته نشده، به طوری که از سدسازی به طرح‌های بزرگ و دهان‌پرکنی چون انتقال بین‌حوضه‌ای و شیرین‌سازی آب و دستیابی به آب‌های ژرف روی آورده می‌شود بدون آنکه توجه شود ماهیت همه اینها یکی است و در استفاده افراطی و بی‌ضابطه از تکنولوژی، هیچ فرقی بین چاه عمیق و پمپ نیست و همین می‌شود که ما از یک طرف آب‌های سطحی در تالاب‌ها و رودخانه‌ها را خشک می‌کنیم و از طرف دیگر باعث افت آب‌های زیرزمینی و نشست زمین می‌شویم. باید توجه کرد که نتایج تحقیقات من و دیگر کارشناسان این حوزه به طور مشخص در رابطه با حوضه آبریز زاینده‌رود نشان می‌دهد انتقال آب به این منطقه، محرک توسعه و باعث افزایش تقاضا بوده است. یعنی به جای کنترل تقاضا و منابع آب و مدیریت توسعه، عطش این منطقه را افزایش داده به‌طوری‌که ادامه این روند به وابستگی کامل این منطقه به تزریق آب از خارج از حوضه می‌انجامد که در درازمدت به زیان این منطقه خواهد بود. در واقع باید دانست اگرچه انتقال آب در وهله اول به زیان مناطق مبدأ و پایین‌دست مانند خوزستان است اما با وابسته‌کردن و ایجاد تقاضای اضافی، ضررهای جبران‌ناپذیری در مقصد باقی خواهد گذاشت. از این رو انتقال آب به اصفهان، یزد، کرمان، سمنان و دریاچه ارومیه، مشکلی محلی و منطقه‌ای نیست بلکه تمام کشور را درگیر خواهد کرد».

او با بیان اینکه بسیاری از سوءمدیریت‌ها در حوزه آب با وجود اشتباهات فراوان مدیریت، خارج از این حوزه و در سطوح دیگر مدیریتی گرفته یا تحمیل شده است، افزود: «باید دید چه مقدار از تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، آمایش سرزمین، احداث سدها، راه و شهرسازی، نرخ رشد جمعیت و... در خارج از حوزه مدیریت آب گرفته شده و چه تأثیراتی بر این بخش داشته است». مدنی با بیان اینکه خشک‌سالی امروز ما خشک‌سالی آب‌وهوایی و هیدرولیکی نیست بلکه خشک‌سالی اقتصادی-اجتماعی است، افزود: «خشک‌سالی اقتصادی-اجتماعی به معنی ورشکستگی آب است. یعنی نیازها و رشد تقاضای ما از توان منابع آبی‌مان پیشی می‌گیرد. این مسئله حتی در مناطق پرآب هم رخ داده است. بی‌توجهی به این مسئله باعث می‌شود درحالی‌که قدرت خشک‌سالی اخیر کمتر از خشک‌سالی‌های اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ بوده، یکباره سیستم آب ما به دلیل برداشت بیش از اندازه ناشی از درک غلط از توسعه از پا درمی‌آید و ما با خشک‌شدن رودخانه‌ها و تالاب‌ها و افت آب‌های زیرزمینی مواجه می‌شویم». مدنی افزود: خوزستان تأمین‌کننده بخش زیادی از انرژی کشور است اما مشکلات مثال‌زدنی در حوزه آب به‌ویژه آلودگی منابع آب دارد که تاکنون موردتوجه قرار نگرفته است؛ باید توجه همه به این نکته جلب شود که نه‌تنها انتفاع از منابع خوزستان، که مشکلاتی چون پدیده ریزگردها و مصائب کشاورزانش هم مسئله ملی است. به همین دلیل مردم خوزستان باید در مقابل طرح‌های توسعه و سدسازی به صورت مستدل و علمی اعتراض کنند و در ارتقای فرهنگ محیط‌زیستی و آگاهی‌بخشی بکوشند».

او با تأکید بر فعالیت‌های مدنی و مطالبه‌گری مستدل، بیان کرد: «در فضای کنونی که با هزینه‌هایی چون ازدست‌دادن تالاب‌ها و دریاچه‌ها، بالاخره حقوق شهروندی و تفکر محیط‌زیستی مطرح شده و این گفتمان در فضای جامعه شکل گرفته، باید با دوری از فضای احساسی با مطالبه‌گری و پرسشگری علمی و مستدل از کلیه طرح‌های مهندسی، الزامات انطباق با اصول محیط‌زیستی این پروژه‌ها را خواستار شد و با تعامل سازنده با دولت و درنظرگرفتن دغدغه‌ها و الزامات و نیازهای هر دو طرف به سمت مشارکت هرچه‌بیشتر مردم و کشاورزان در بحث مدیریت آب پیش رفت. دراین‌باره باید با آموزش اصولی و اطلاع‌رسانی علمی و ایجاد حساسیت در مردم نسبت به مسائل محیط‌زیستی، نقش مردم و مسئولیت‌پذیری شهروندان را ارتقا داد».

ادامه از صفحه ۱۶

هر کجا مرز کشیدند شما پل بزنید*

آدرس؛ یکی از مناطق محروم کرج پرسان پرسان خانه را پیدا می‌کنم... پدر خانواده سال‌هاست گلدوزی می‌کند. مادر هم با قلاب‌بافی کمک‌خرج خانواده است. دانیال دوست‌داشتنی و سروزبان‌دار، کلاس ششم و عاشق دایناسور است. اسم تمام دایناسورها را بلد است. از کمدش برچسب‌های دایناسورها را که با پس‌اندازش می‌خرد، جلوی چشمم ردیف می‌کند. می‌گوید می‌خواهم دانشمند بشوم. لحظه‌ای در جایش بند نیست. برعکس، خواهرش سحر اصلا حرف نمی‌زند. به‌سختی ارتباط می‌گیرد. دوم دبیرستان است و در رشته تجربی درس می‌خواند. عاشق رفتن به هنرستان بوده؛ اما ثبت‌نامش نکرده‌اند. مادرش می‌گوید سحر دوست داشت معمار شود، اما هرچه کردیم، چون شناسنامه نداشت در هنرستان ثبت‌نامش نکردند. حتی امکان تحصیل در رشته‌های کار و دانش هم نداشت. الان خیلی ناامید است. می‌گوید اگر از افغانستان می‌شود به فرانسه رفت و معماری خواند به افغانستان برویم. سحر، دانیال و مادرشان هر سه در ایران به دنیا آمده‌اند. طاهره غلامی، مادر خانواده، می‌گوید: «از کلاس سوم بود که سحر خیلی ساکت و گوشه‌گیر شد. معلمش بین بچه‌های ایرانی و او تبعیض قائل می‌شد. من هم آن زمان کم‌سن‌وسال بودم و نمی‌دانستم باید کلاسش را عوض کنم». طاهره از تعهدی می‌گوید که هرسال مدارس محمدشهر کرج از والدین افغانستانی می‌گیرند. تعهد و رضایت‌نامه‌ای که بر مبنای آن مدرسه می‌تواند در طول سال از ادامه تحصیل بچه‌ها جلوگیری کند. می‌گوید امسال برای تحصیل فرزندانش حدود ۷۰۰ هزار تومان باید بپردازد. رقمی که در حد توانش نیست و برای تأمینش از هزینه‌های اولیه زندگی فرزندانش می‌زند. وی می‌گوید ما یارانه‌ای را که ایرانی‌ها می‌گیرند نمی‌گیریم؛ درحالی‌که در ایران هم به دنیا آمده و پناهنده محسوب می‌شویم. شهریه مدرسه را هم می‌پردازیم. کمک به مدرسه را هم هر سال می‌دهیم، اما متأسفانه برخی والدین ایرانی طوری برخورد می‌کنند انگار حقی را از کودکان آنها سلب کرده‌ایم. داستان ادامه‌دار تحصیل کودکان افغانستانی در ایران شاید می‌توانست به دغدغه‌ای جدی برای مهاجران کشور همسایه بدل نشود؛ اگر در پس ذهن بسیاری از ایرانیان همزیستی در کنار آنان امری پذیرفته‌شده بود.

*** مصرعی از یک غزل سروده نجیب بارور شاعر افغانستانی**

فرم درخواست اشتراک روزنامه شرق در تهران

کلیه متقاضیان محترم می‌توانند هزینه اشتراک خود را براساس مبالغ مندرج در جدول ذیل به شماره حساب ۶۸۶۸۹۵ نزد بانک سپه شعبه میرزا کوچک‌خان (قابل پرداخت در کلیه شعب) به نام محمدامیر مظاهری واریز و اصل سند بانکی مربوطه را به همراه فرم تکمیل شده ذیل به یکی از سه طریق زیر به دفتر امور مشترکین تحویل فرمایند.

۱- تماس با شماره تلفن‌های ۸۸۲۰۹۵۹۳- ۸۸۱۹۸۹۶۴ جهت اعزام مامور برای دریافت مدارک.

۲- مراجعه به آدرس دفتر واقع در میدان آرژانتین - خیابان الوند - کوچه آرشیا - پلاک ۶

۳- ارسال از طریق دورنگار به شماره ۸۸۱۹۸۹۵۸

شرایط اشتراک

۱- ساعت تحویل روزنامه ۵ صبح الی ۱۰ صبح می‌باشد.

۲- شروع ارسال روزنامه برای متقاضیان که درخواست خود را به صورت کامل تحویل داده‌اند، حداکثر ۱۵ روز بعد از تحویل مدارک خواهد بود.

۳- مبالغ مندرج در جدول بابت یک نسخه اشتراک می‌باشد.

۴- نوشتن کد پستی و شماره تلفن در فرم ضروری می‌باشد.

۵- در صورت عدم دریافت روزنامه مراتب را به امور مشترکین اطلاع دهید، در صورت عدم اطلاع به منزله دریافت تلقی می‌شود.

توجه: لطفا کپی فیش بانکی را تا پایان اشتراک نزد خود نگه دارید.

مدت	۳ ماهه	۶ ماهه	۹ ماهه	۱۲ ماهه
قیمت (ریال)	۷۵۰/۰۰۰	۱/۴۵۰/۰۰۰	۲/۱۵۰/۰۰۰	۲/۸۵۰/۰۰۰

رسید دریافت فیش یا وجه نقد

بدین‌وسیله ..... ریال وجه نقد ☐ فیش ☐ چک ☐ بشرح زیر جهت اشتراک ..... نسخه روزنامه شرق به

مدت ..... ماه از مشترک شماره ..... به نام ..... دریافت نمودم.

نحوه پرداخت	شماره فیش/چک	تاریخ	نام بانک	نام شعبه	کد شعبه	مبلغ

نام و نام خانوادگی دریافت کننده: ..... امضاء دریافت کننده: .....

توجه: لطفا نحوه مطلوب دریافت روزنامه را اعلام دارید:

مدت اشتراک: ۳ماهه ☐ ۶ماهه ☐ ۹ماهه ☐ ۱۲ماهه ☐ | کد اشتراک ..... تعداد نسخ اشتراک .....

مشخصات متقاضی

نام: ..... نام‌خانوادگی: ..... نام موسسه: .....

آدرس دقیق: .....

کدپستی: ..... تلفن: ..... نمابر: .....

امضای متقاضی: